



Praised and Reprehensible Curriculum from the View of Islamic Pedagogy with an Emphasis on Educational Ideas of Āyatollāh Javādi Āmoli¹

Najmeh Soltaninezhad

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Farhangian University,
Hamadan, Iran. najmeh.soltani8@gmail.com

Abstract

The purpose of the present research is to introduce a praised and reprehensible curriculum –as well as the quality of its elements- from the view of Islamic education with an emphasis on the ideas of Āyatollāh Javādi Āmoli. In this regard, mankind and the predominant ideology in human society was studied and to this aim, the method of qualitative content analysis was used. The present research, focused on both praised and reprehensible approaches to curriculum planning as each of which has a special purpose, method, content, and assessment method. The goal of one is materialism and of another is metaphysics or belief in incorporeal issues. The criteria for the assessment of educational activities in the reprehensible curriculum is based on predetermined indices while in the praised curriculum, it is based on the effect of a newly made product. Therefore, it can be confirmed that the philosophy of education and upbringing in Islamic societies has the potential to develop various theories in itself and open a new horizon of pedagogical ideas in front of human society.

Keywords: Curriculum, Education and Upbringing, Praised Approach (Godly), Reprehensible Approach (Not Godly), Islamic Pedagogy, Āyatollāh Javādi Āmoli.

1. **Received:** 2022/06/17 ; **Revision:** 2022/07/20 ; **Accepted:** 2022/08/12 ; **Published online:** 2022/09/24

DOI: 10.22034/riet.2022.11913.1127

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Publisher: Farhangian university





برنامه درسی ممدوح و مذموم از منظر تربیت اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های تربیتی آیت‌الله جوادی آملی^۱

نجمه سلطانی‌نژاد

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، همدان، ایران. najmeh.soltani8@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، معرفی برنامه درسی ممدوح و مذموم - و کیفیت عناصر آن - از منظر تربیت اسلامی و با تأکید بر اندیشه‌های تربیتی آیت‌الله جوادی آملی است. به این منظور و در ذیل این مسأله به بررسی انسان و تفکرات حاکم بر جوامع انسانی پرداخته شده است. برای تحقق این هدف از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده گردید. پژوهش حاضر به دو رویکرد ممدوح و مذموم در برنامه درسی توجه دارد که هر یک هدف، روش، محتوا و شیوه ارزشیابی خاص خود را دارند. غایت در یک رویکرد اصالت ماده و حس و در دیگری فراتر از ماده، یعنی باور به امور مجرد است. معیار ارزشیابی فعالیت‌های آموزشی در برنامه درسی مذموم، بر مبنای ملاک‌های از پیش تعیین شده و در برنامه درسی ممدوح برحسب تأثیر یک محصول تازه تدوین شده می‌باشد. لذا، می‌توان اذعان داشت که فلسفه تعلیم و تربیت در جوامع اسلامی این ظرفیت را دارد که نظریه‌های متفاوتی را در خود برویاند و جامعه بشری را در مقابل افقی نو از اندیشه‌های تربیتی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، تعلیم و تربیت، رویکرد ممدوح (الهی)، رویکرد مذموم (غیر الهی)، تربیت اسلامی، آیت‌الله جوادی آملی.

۱. مقدمه

امروزه فقر منابع علمی در زمینه برنامه درسی در کشور ما، امری قطعی و غیرقابل انکار است. یکی از مباحث مهم و اساسی در قلمرو برنامه درسی، بحث درباره دیدگاه‌ها و مفهوم‌پردازی‌ها، یا ایدئولوژی برنامه درسی است. این دیدگاه‌ها، نظریه‌های فلسفی برنامه درسی‌اند، که هر کدام جهت‌گیری‌هایی خاص را برای برنامه درسی توصیه و توجیه می‌کنند. تلاش برای تبیین نظریه برنامه درسی و دستیابی به یک ایدئولوژی برنامه درسی بومی مُلهم از آموزه‌های فلسفی-دینی، فرهنگی و تاریخی برای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در حکم راهنمای عمل برنامه‌ریزان، مؤلفان و معلمان کشور، یک ضرورت بنیادین، حیاتی و معنی‌دار تلقی می‌شود (محسن‌پور، ۱۳۹۳).

نظریه‌های برنامه درسی به مثابه درختانی هستند، که از مبانی فلسفی ریشه گرفته‌اند و ثمرات آنها، در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان نیز در این مدار معنا و جایگاه پیدا می‌کند. هیچ نظریه یا دیدگاهی بی‌ریشه نیست و هیچ نظریه‌پردازی نیز بدون دارا بودن یک پایگاه فلسفی خاص، موضع‌گیری نمی‌کند (کیخا و همکاران، ۱۳۹۸).

در یک تقسیم‌بندی کلی، سه معنا برای برنامه درسی احصا شده است: برنامه درسی به‌عنوان سند مکتوب؛ برنامه درسی به معنای نظام برنامه‌ریزی درسی، شامل (تولید یا تدوین، اجرا و ارزشیابی)؛ و سوم، قلمرو مطالعاتی برنامه درسی که ابعاد، موضوعات و وسعت مفهومی خاص یا ساختار محتوایی دارد. این نوشتار از آن حیث که بیانگر دیدگاه فلسفی خاصی در حوزه برنامه درسی در رویکرد تربیت اسلامی است، با معنای سوم از برنامه درسی قرابت دارد. بدیهی است این دیدگاه در بطن خود، نظریه‌ای در باب هستی، انسان، معرفت و ارزش نهفته دارد، که با تحلیل هر یک می‌توان، مواضع فلسفی را آشکار ساخت. فرض اساسی آن است که مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی صاحب‌نظران عرصه تعلیم و تربیت اسلامی به برنامه درسی، متفاوت از مبانی فکری و فلسفی رایج پیرامون آن در اندیشه متفکران غربی است.

جوادی آملی، از برجسته‌ترین اساتید فلسفه و عرفان در عصر حاضر به شمار می‌رود. ایشان افزون بر دو رشته یاد شده در رشته‌هایی چون تفسیر، فقه، حدیث، کلام قدیم و جدید و... صاحب آثار گران‌قدری هستند. از آثار جامع و مهم ایشان در تفسیر قرآن کتاب گران‌سنگ «تسنیم» است. همچنین از جمله تألیفات مؤثر ایشان در فلسفه اسلامی، کتاب «رحیق مختم (شرح الاسفار الاربعه ملاصدراى شیرازی)» و از کتاب‌های مهم معظم‌له در عرفان، «عین نضاح یا تحریر تمهید القواعد» و «عقلانیت شهود (شرح فصوص الحکم)» را می‌توان نام برد، که هر یک به تنهایی مؤید تسلط، جامعیت و تعالی

اندیشه و علم ایشان در مباحث و معارف گوناگون است. عقلانیتی که جوادی آملی به شدت مدافع آن است، چیزی از جنس عقل مدرن نیست. عقل و حکمت - آن گونه که او می شناسد و می شناساند، دشمنش بی تقوایی است، کمالش در عرفان و شهود، و همراه همیشگی اش وحی است.

دنیای جدید به افرادی نیازمند است که بتوانند به داوری های مهم و دقیق دست زده، راه خویش را در محیط های تازه پیدا کنند و روابط جدید را در واقعیتی که به سرعت در حال تغییر است، به چالاکي تشخیص و تمیز دهند. بنابراین، حرکت نظام آموزشی به سمت وسویی که فرد بتواند با سرعت، خود را با تغییر مداوم انطباق دهد و آهنگ تغییر را هر چه تندتر بنوازد، یکی از اصلی ترین اهداف نظام آموزشی است. در عرصه جهانی شدن، نظام های آموزش و پرورش نمی توانند خود را جدا یا دور از این فرایند رو به گسترش در نظر بگیرند. امروزه جهان به صورت یک کلاس درس درآمده و دانش آموزان، دانشجویان و تمامی فراگیران از سراسر دنیا می توانند از این کلاس جهانی، خوراک فکری بگیرند.

پیشینه این پژوهش را می توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش نخست، مجموعه کتب معدودی که هویت دینی برنامه درسی را مورد بررسی قرار داده اند. بخش دوم، مجموعه ای از پژوهش های دانشگاهی که از نوع مقالات پژوهشی یا پایان نامه های تحصیلات تکمیلی است و به بررسی دیدگاه های اعضای هیئت علمی، دانشجویان و معلمان در ارتباط با ایدئولوژی های حاکم بر برنامه درسی پرداخته است.

از جمله سوابق پژوهشی و مطالعاتی در دسته نخست می توان به آثاری همچون «هویت دینی برنامه درسی؛ جستاری در نظریه اسلامی برنامه درسی» اثر ملکی (۱۳۹۸)، «برنامه درسی به سوی هویت های جدید» (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲)؛ «برنامه درسی معنوی برای دستیابی به تربیت دینی» (نجفی و کشانی، ۱۳۸۸)؛ «برنامه درسی معنوی در هزاره سوم» (موسوی، ۱۳۸۸)؛ «مبانی تربیت اسلامی و برنامه ریزی درسی: بر اساس فلسفه صدرا» (علم الهدی، ۱۳۸۴) و «دین و برنامه درسی» (ملکی، ۱۳۷۸) اشاره داشت. آنچه که این آثار درصدد تبیین و توضیح آن برآمده اند، گویای این نکته است که باید از همه قوا و توانایی هایی که از طرف خالق یکتا در وجود انسان قرار داده شده است، در برنامه ریزی استفاده کرد. به هر اندازه از طریق برنامه درسی بتوان شبکه ارتباطی دانش آموزان و دانشجویان را در نظام خلقت با رویکرد توحیدی تفهیم کرد، به همان نسبت می توان دیدگاه کل نگر و هستی شناسانه فرد را تقویت نمود.

از جمله سوابق پژوهشی و مطالعاتی در دسته دوم می توان به آثاری همچون «هویت دینی و پیش بایست های طراحی برنامه درسی» (نجفی و همکاران، ۱۴۰۰ الف)؛ «طراحی الگوی برنامه درسی هویت دینی در دوره اول متوسطه» (نجفی و همکاران، ۱۴۰۰ ب)؛ «اولویت بندی و مقایسه مؤلفه های شش گانه ایدئولوژی های برنامه درسی از منظر اعضای هیات علمی دانشکده های علوم تربیتی شهر تهران»

(ملکی، فرمهبینی و اسماعیلی، ۱۳۹۲)؛ «طراحی برنامه درسی متعادل با رویکرد برنامه‌ریزی درسی فطری و معنوی» (محمدی، کیخا و علیپور مقدم، ۱۳۹۵)؛ «تحلیل و بررسی نمود ارزش‌های انسانی و اخلاقی در حوزه برنامه درسی» (موسوی و نیلی، ۱۳۹۳)؛ «طراحی الگوی برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز، راهبردها و راهکارهای اجرایی آن» (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ «برنامه درسی معنوی، چستی و چرایی» (معروفی و کرمی، ۱۳۹۲)؛ «ارزش و جایگاه معنویت در قرآن و دلالت‌های برنامه درسی بر مبنای آن» (میرزاخانی، ۱۳۹۱)، «رویکرد معنوی و برنامه‌ریزی درسی» (قاسم‌پور دهقانانی و نصر اصفهانی، ۱۳۹۰) اشاره کرد و ماحصل یافته‌های آنان را در این عبارت ذکر کرد که شاخصه اصلی برنامه درسی الهی از غیر الهی، توجه به «فطرت» انسان‌هاست. در برنامه درسی غیر الهی هدف، آموزش اقتضانات و ضروریات حیات دنیوی است و فرصت‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌هایی که در محتوای برنامه آموزش داده می‌شود، فرد را برای دنیای بهتر و رفاه بیشتر آماده می‌کند.

این پژوهش در ادامه مطالعات انجام شده در این زمینه، به هدف توسعه این رویکرد از قرآن - به‌عنوان متقن‌ترین و مستندترین متن دینی اسلام که حاوی اصیل‌ترین و بنیادی‌ترین گزاره‌های دینی در اسلام است - با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، از لزوم برنامه‌ریزی با رویکرد تربیت اسلامی سخن گفته است. لذا، نوشتار حاضر بر این نکته تأکید دارد که استنتاج نظریه و الگوی برنامه درسی از مبانی فلسفی دینی امری ضروری و قابل اهمیت است. به تعبیری دیگر «طراحی و تدوین برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها بر اساس مبانی فلسفی اسلامی یکی از ضروریات عرصه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران است. بی‌تردید، هر کشوری مطابق فلسفه حاکم خود تلاش می‌کند، کودکان، نوجوانان و جوانان خود را همسو با آرمان‌ها و اهداف مقبول، پرورش دهد، تا بتواند جامعه مطلوب خود را به وجود آورد. در این عرصه، برنامه درسی وسیله تأثیرگذاری است که آثار و نتایج آن، به رفتار یادگیرنده تبدیل می‌شود و هویت معینی را ایجاد می‌نماید. فلسفه تربیت اسلامی که ریشه در عقل و نقل دارد، مبنای قوی و محکمی برای برنامه درسی با هویت دینی است، که با سایر برنامه‌ها تفاوت اساسی دارد؛ این تفاوت در حقیقت تفاوت فلسفی است، که ریشه برنامه‌ریزی درسی را تشکیل می‌دهد (ملکی، ۱۳۹۸).

جوادی آملی (۱۳۹۰) معتقد است، تعلیم یعنی رساندن انسان به حدی که بتواند بیندیشد؛ بدیهیات را سرمایه قرار دهد و مسائل نظری و پیچیده را با توجه به مسائل بدیهی حل کند. بر اساس این تفکر، مسئله تعلیم، جریان جهل‌زدایی است که با کرامت انسان سازگار است. علاوه بر آن، تعلیم، میثاق و تعهدی دوجانبه بین مربی و متربی است. به این مفهوم که از متربی تعهد گرفته شده که یاد بگیرد و از مربی نیز تعهد گرفته شده که علم را بیاموزاند. ایشان در تعریف تربیت بیان می‌دارد: «تربیت آن است که

انسان را برجسته کند و نمو دهد. این امر بدون تعلیم کتاب و حکمت «تزکیه» ممکن نخواهد بود و تزکیه یعنی نمو دادن» (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

در فرایند تدریس، تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش)، هر دو باید قوی باشند. دانشی پایدار می ماند که نتیجه پرورش باشد و پرورشی ثمربخش خواهد بود که با دانش ضروری و مناسب همراه باشد. علت اینکه انسان‌ها به‌رغم فطرت مشترک اولیه متفاوت می‌شوند، به تلاش آنها بستگی دارد. مبتنی بر اندیشه تربیتی جوادی آملی می‌توان بیان داشت؛ در تعلیم و تربیت اسلامی، افرادی که برخوردار از شبهه علمی هستند، «جاهلان فاسقی» اند که نه به امکان جهانی شدن در بُعد نظری معتقدند و نه در میدان عمل قادر به تحقق جهانی شدن مطلوب خواهند بود. همچنین افرادی که دارای شهوت عملی هستند؛ «عالمان بی عملی» اند که به جهت ضعف نگرشی و تربیتی نمی‌توانند، داعیه نظام جهانی داشته باشند. علت آن است که این گروه، سخت‌درگیر خواهش‌ها و کشمکش‌های درونی هستند و نمی‌توانند فارغ از منافع خود، به منافع و مصلحت سایر افراد نیز بیندیشند؛ لذا، نابسامانی‌هایی را در بُعد آموزشی به وجود می‌آورند که در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، سبب آشفتگی خواهند شد.

همچنین «مقدس‌ان بی علم» نیز قادر به حضور مؤثر در عرصه مناسبات جهانی نخواهند بود. این گروه که از فقر فکری و دانش، رنج می‌برند، آنچه از ظلم بر سرشان می‌آید را ناشی از تقدیر و قسمت الهی قلمداد کرده، شرّ و سلطه ظالمین را بر خود می‌پذیرند. این نحوه تفکر با مبنای عقلانی و اعتقادی موردنظر اسلام سازگاری ندارد؛ بنابراین، تنها «عالمان عادل» که هم تعلیم و هم تربیت یافته‌اند، موفق خواهند بود جهانی بیندیشند و شیوه درست اندیشیدن و چگونه زیستن و چگونه امتناع ورزیدن را آموزش دهند.

انسان امروز صرفاً موجودی منحصر در خانواده، جامعه و کشور خود نیست؛ بلکه بخش جدایی‌ناپذیر از جهان بشری و مناسبات جهانی است. «لذا، هر فردی خواسته یا ناخواسته، متأثر از مناسبات جهانی است و به‌صورت موجودی جهانی درآمده است» (صالحی عمران، ایزدی و رضایی، ۱۳۸۸). از این‌رو، برنامه‌های درسی باید بر مهارت‌های فردی موردنیاز فراگیرنده، مهارت‌های موردنیاز زندگی جمعی و مهارت‌های موردنیاز شهروند جهانی تأکید نماید.

جوادی آملی به انسان‌شناسی توجه ویژه‌ای دارد. چرا که ثمره تمام علوم، تأمین زندگی سعادت‌مندانه جامعه انسانی است و مهم‌ترین اصل در این راستا، معرفت انسان است. ایشان به انسان‌شناسی به عنوان مقدمه خداشناسی، طریق تهذیب نفس، راه‌رهایی از خودفراموشی و تأمین‌کننده اصل موضوعی برای همه علوم انسانی، توجه کرده است (شهریاری و نجفی، ۱۳۹۹، ص ۷۳). وی معتقد است: «هویت انسان عین ربط به خداوند است و چپستی او بدون ارتباط با خدا، قابل بیان و تفسیر نیست» (جوادی

آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶). ایشان در جای دیگری بیان می‌دارد: «ادراک هویت انسان در پرتو ادراک و شناخت خدای سبحان به دست می‌آید و بنابراین، انسان باید از ناحیه موجود مستقل تعریف شود و مقصود اساسی از این تعریف، همان ایجاد معرفت در نهاد انسان و تعلیم کنونی او به حقیقت خویش است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۳۲).

در علوم بشری از انسان به «حیوان ناطق» یاد می‌شود و آنان که آدمی را تنها به ظاهر می‌شناسند، او را موجود زنده‌ای می‌دانند که از حیث حیات با دیگر جانوران، مشترک و از جهت نطق و سخن‌گویی از آنها متمایز است. ایشان تعریف انسان به «حیوان ناطق» را نمی‌پذیرد، بلکه معتقد است تعریف دین از انسان، «حی متأله»^۱ است. حی متأله با خود، تنها و موحد، با اهل خانواده خود، متحد و موحد و با اعضای جامعه خود، مجتمع و موحد است. بنابراین، توحید در تمدن و تدین او جلوه‌گر می‌شود (حسینی، ۱۳۹۱).

«اگر نطق به معنای سخن گفتن یا ادراک کلی باشد، بیانگر حد انسانیت نیست و در فرهنگ قرآن و عترت، انسان به معنای حیوان ناطق نیست. آنچه به عنوان جنس و فصل در تعریف انسان از فرهنگ قرآن به دست می‌آید و ملاک نهایی در تعیین هویت حقیقی انسان است، تعبیر «حی متأله» می‌باشد. بر این اساس، جنس انسان «حی» است که شامل حیات گیاهی، حیوانی و انسانی مصطلح است و می‌توان گفت، معادل حیوان ناطق است؛ البته روح انسان که جنبه اصلی او را تأمین می‌کند زنده است، مانند فرشتگان که هرگز نمی‌میرند و از مدار وجود بیرون نمی‌روند. فصل این تعریف «تأله» است؛ یعنی خداخواهی مسبوق به خداشناسی و ذوب شدن در الوهیت. «خداشناسی و ذوب شدن در الوهیت، دارای لوازمی است؛ از جمله پذیرش دین، عقاید و ارزش‌های آن، التزام عملی به ارزش‌های اخلاقی، درک مفهوم حقیقی «آزادی»، پرورش عقل نظری و عملی و درک فقر ذاتی خویشتن. در این بین، اگر مغالطات روان‌شناختی، بینشی، عاطفی و رفتاری دامن‌گیر انسان شود، او را از تشخیص هویت حقیقی‌اش محروم، و از شکوفایی حیات متألهانه دور می‌کند» (شهریاری و نجفی، ۱۳۹۹، ص ۶۹-۷۷).

لذا، به اعتقاد جوادی آملی «تربیت انسان، بیش از جنبه علمی‌اش، دارای جنبه‌های عملی است و مربی در صورتی در کار خود موفق می‌شود که افزون بر آموزش‌های لازم، بتواند به‌گونه‌ای عملی،

۱. همانطور که خداوند حی است، انسان نیز حی است. در این نوع از تعریف، حیات انسان با مابقی جانوران متفاوت می‌شود. متأله به این معنا که انسان الهی است. انسان هویت جدا از الهی بودن، در زندگی خود ندارد. لذا اگر بخواهد انسان کاملی باشد، باید ذوب در الوهیت اله باشد.

الگوی کاملی برای تعلیمات خود باشد و با صفات و اخلاق و اعمال خویش، تمام مسائل تربیتی را نشان دهد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

اسلام برای شناخت جهان و حقایق دینی، سه نوع ابزار را در قلمرو خود معتبر می‌داند. حس که مهم‌ترین آن، حس شنوایی و بینایی است؛ لذا آموزش از راه حواس، برای شناخت و درک طبیعت اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. عقل و خرد که در قلمرو محدودی بر اساس اصول و مبادی ویژه‌ای و به‌طور قطع و یقین، حقیقت را کشف می‌کند و این همان آموزش همراه با تدبّر و تفکر است. این دو راه، جنبه عمومی دارد و تمام افراد بشر می‌توانند در شناخت جهان از آن‌ها بهره بگیرند. راه سوم وحی است، که وسیله ارتباط انسان‌های والا و برگزیده با جهان غیب است. از ابزار حس فقط می‌توان در محسوسات استفاده نمود. از خرد در موارد محدودی که مبادی آن را دارا باشد، بهره گرفته می‌شود؛ درحالی‌که قلمرو وحی، وسیع‌تر و گسترده‌تر است و در زمینه‌های مختلف، اعم از عقاید و تکالیف، نافذ و رهگشاست.

برای کسب معرفت از طریق وحی و الهام، می‌توان از زندگی‌نامه معصومین (ع) و قصص قرآنی استفاده کرد. برتر و والاتر از همه، معرفت شهودی است که پروردگار عالم آن را به خلیفه خود عطا کرد و آن را بهترین وسیله برای عرفان خود قرار داد. معرفت شهودی به حوزه بصیرت باطنی و مکاشفات حاصل از تجارب عرفانی مربوط است. برای معرفت شهودی ویژگی‌هایی ذکر شده است: نخست آنکه، این‌گونه معارف در دسترس چشم و گوش و عقل و هوش انسان نیست؛ بنابراین، هر کس که علاقه‌مند دست‌یافتن به این‌گونه معارف باشد، باید از راه و روش لازم بهره گیرد، به «بصیرت باطنی» دست یابد و با این بصیرت باطنی است که می‌توان به آن‌گونه از معارف دست یافت. از روش‌هایی مثل ارزیابی خود، و نیز توجه به احساسات فراگیر در حین آموزش می‌توان برای کسب معرفت از طریق شهود اقدام کرد (کیخا و همکاران، ۱۳۹۸).

آنچه مسیر تعلیم و تربیت را به سمت مطلوب هدایت می‌کند؛ توجه به حضور خداوند در لحظه لحظه زندگی است. به اعتقاد جوادی آملی (۱۳۸۹) انسان چه بخواهد راه اندیشه حصولی را طی کند و چه بخواهد راه شهود را پیماید، باید عبد صالح خدا باشد. عبودیت و بندگی، حفاظ این غوّاصی است و اگر لحظه‌ای از این بندگی خارج شد و به میل خود عمل کرد، خروج از زوّ بندگی همان شود که هلاکت در تیه جهالت و ضلالت شود.

بشر امروزی برای رویارویی مولد و مؤثر با چالش‌های علمی، صنعتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی، بستری مناسب‌تر، کارسازتر و موجه‌تر از نظام تعلیم و تربیت شناسایی نکرده و بدین سبب، نزد انسان‌هایی هوشمند، تحول در نظام‌های آموزش و پرورش، به عنوان پیش نیاز نیل به

اهداف توسعه پایدار ارزیابی شده است. این امر از شواهد دینی و تاریخی نیز قابل بازیابی است. پیامبر اسلام (ص)، بی آنکه شعار مردم کهنه فکر و متعصب عرب آن زمان را از آنان بگیرد و چیز دیگری را جایگزین آن کند، تنها به متحول نمودن برخی از شعارها و روش‌هایشان پرداخت. برای نمونه شعار «انصر أخاک ظالماً أو مظلوماً» را بدین معنا دانست، که به یاری برادرت بشتاب اگر مظلوم است، به دادخواهی او بشتاب و چنانچه ظالم است، با نهی کردن از ستم، وی را از این کار بازدار که در واقع، این کار تویاری کردن اوست.

یکی از بزرگ‌ترین موانع برای تحقق ایده برنامه درسی مطلوب، محدودیت دید و عدم جامع‌نگری افرادی است، که به زعم خود برنامه‌ای جامع برای اداره محتوای آموزشی نگاهشته‌اند. نکته دیگر آنکه، آنچه در مسیر تحقق برنامه درسی مطلوب ضروری می‌نماید؛ وجود اصل عدل است. در اندیشه تربیتی جوادی آملی، استحکام و پایداری حیات انسانی به اصل عدالت است. از نظر ایشان دادگری، همانند اصل توحید، ریشه در نظام تکوین دارد؛ «بالعدل قامت السموات و الارض». بنابراین، نادیده انگاشتن قسط و عدل، مخالفت با نظام طبیعی و اهتمام به آن، هماهنگی با نظام هستی است. در فرهنگ آسمانی اسلام دو اصل توحید و عدالت، شالوده و شاکله وجودی انسان و جامعه قرار داده شده است؛ تا فرد و جامعه انسانی با این دو اصل فطری، همراه و همگام باشد، جاودانگی و شکوفایی آن قطعی، وگرنه، سقوط آن حتمی است.

رشته حیات جوامع بشری، تا پایان، به وحی و دستاوردهای و حیانی نیازمند است. انسان، سرنوشت خود را به جهان طبیعت و زمان گذشته، حال و آینده، پیوند ناگسستنی زده است و هر روز، گامی به جلو و نگاهی به آینده دارد و هر روز می‌کوشد تا به سخنی تازه و رازی ناگشوده دست یازد. پس، او در عقاید و اخلاقیات و احکام و بهره‌گیری از طبیعت و دستاوردهای آن، به دانش نامتناهی نیاز دارد. خداوند به وسیله پیامبر (ص) خطوط کلی را از خارج تأمین کرده و در درون بشر، نیروی فوق‌العاده و شگفت خرد را قرار داده است. عقل، شریعتی در نهاد انسان است و وحی، شریعتی در برون است. عقل و نقل، دو بال از ابزار دین‌شناسی است، که می‌تواند زوایای احکام و اخلاق و عقاید و سایر نیازمندی‌های بشر را در هر منطقه و هر زمان تأمین کند. با تأمل در آیات قرآن و روایات - به عنوان دو منبع غیر متناهی - ممکن است مطالب جدیدی استنباط شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۳-۴۱۵).

بر این اساس می‌توان از تقسیم‌بندی جوامع انسانی به جامعه الهی و الحادی، دو نوع تفکر الهی و الحادی را استنباط کرد. اگر تفکر فردی الهی باشد، فلسفه علم او نیز الهی شده و در نتیجه علم تعلیم و تربیت او نیز الهی می‌شود. لذا به جهان آفرینش به عنوان طبیعت نمی‌نگرد؛ بلکه آن را خلقت

الهی می‌بیند. آن‌گاه به رابطه خلقت با انسان به‌خوبی پی می‌برد که خداوند جهان را برای انسان آفرید و فرمود بین اعمال انسان و رخدادهای جهان ارتباط وجود دارد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف، ۹۶). انسان موجودی جدا از جهان آفرینش نیست؛ همچنان که رخدادهای تربیتی در اعمال و اندیشه انسان مؤثر است، اعمال، اخلاق، اعتقادات و اندیشه انسان نیز، در نظام تربیتی مؤثر خواهد بود. انسان موجودی ابدیست و لازمه ابدیت انسان این است، که کارهای ابدی انجام دهد و کار ابدی تنها در سایه تولید علم و پرورش سطح علمی جامعه مقدور است؛ چرا که علم و دانش هرگز نمی‌میرند (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

لذا، رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی، با دو نوع برنامه درسی مواجه خواهد بود. برنامه درسی الهی و برنامه درسی الحادی؛ یا به تعبیری دیگر، برنامه درسی ممدوح و برنامه درسی مذموم. در برنامه درسی ممدوح، به توسعه ممدوح فراگیران توجه می‌شود؛ به این معنا که متربی برای رفع نیاز خود و جامعه تلاش می‌کند و این تلاش، منتج به افزایش کوثری خواهد شد. در افزایش کوثری، تولید علم به‌گونه‌ای صورت می‌پذیرد که بیشترین خیر اجتماعی حاصل شود.

روش تدریس در برنامه درسی کوثری به این معنا نیست که معلم به انتخاب خود آنچه گمان می‌کند جالب‌تر، بامزه‌تر و راحت‌تر است را تدریس کند؛ بلکه دانشی که برای فراگیران و جامعه‌ای که قرار است بعد از یادگیری در آن خدمت کنند انتخاب می‌شود، دارای ارزشی ریشه‌دار است. لذا، با توجه به اینکه مبنای ارزشی الگوی برنامه درسی الهی دین اسلام است، پس عناصر برنامه درسی هم برگرفته از این مبنای ارزشی خواهند بود.

در برنامه درسی مذموم، فراگیران نیز توسعه مذموم می‌یابند؛ به این معنا که مبنای یادگیری تفاخر است، که به دنبال آن، افزایش تکاثری صورت می‌گیرد. در این حالت، معیار تعیین‌کننده هویت اجتماعی افراد و غایت تمام رفتارهای وی، مصرف علم است. براین اساس، دو گونه تفکر و منطق هویدا می‌شود. شالوده برنامه درسی الهی، ضمن اعتماد بر حس و تجربه حسی، بر مبنای عقل‌گرایی است؛ لذا، برنامه درسی الهی، دانش‌آموزان را در تمام حیطه‌های یادگیری به چالش می‌طلبد و به آنها امکان می‌دهد تا دانش خود را به طرق مختلف به نمایش بگذارند. در حالی که شالوده برنامه درسی الحادی، ضمن خرافه‌پنداشتن علوم تجربی، بر اساس حس‌گرایی است.

بر این پایه، محور فعالیت، انگیزه و هدف تعلیم و تربیت در برنامه درسی نیز متفاوت است. هدف و آرمان، از ابعاد اساسی در برنامه درسی است. ارزش هر برنامه به هدفی است که آن را تعقیب می‌کند؛ زیرا با نادیده‌گرفتن هدف، مسیر برنامه تعلیم و تربیت نیز عوض خواهد شد.

توجه به این نکته ضروری است؛ کسانی که هیچ چیزی را فراتر از ماده نمی‌دانند و به ماده و حس، اصالت می‌دهند، با آنان که فراتر از ماده به امور مجرد اعتقاد و به اصالت آن‌ها باور دارند، حیات اجتماعی‌شان از حیث روش‌شناسی و غایت‌مندی نمی‌تواند یکسان باشد؛ در نتیجه، محور تمام فعالیت‌های آموزشی در برنامه درسی الحادی سودجویی و جلب توجه دیگران و دنیاگرایی است؛ اما قلمرو همه فعالیت‌ها در برنامه درسی الهی، خدامحوری است. کمک به هموعان، رفع مشکلات دیگران و در نهایت جلب رضایت خداوند سبحان و گرایش به آخرت در اهداف برنامه درسی الهی، صبغه بیشتری دارند.

«در تدوین برنامه‌های درسی با رویکرد الهی، فراگیران ضمن ارج‌گذاشتن به روش‌های علمی و بهره‌گیری از روش‌های مطالعه مبتنی بر مشاهده، آزمایش و مدد گرفتن از استدلال‌های عقلانی با یک جهان‌بینی مبتنی بر توحید به هستی، به‌عنوان مخلوق پروردگار می‌نگرند و هنگام مطالعه طبیعت و جهان هستی از آموزه‌های دینی کمک می‌جویند، تا به فهم جامعی از جهان اطراف دست یابند» (کیخا و همکاران، ۱۳۹۸).

برنامه درسی یک مقوله «ارزش محور» است. نمی‌توان برنامه درسی را فارغ از ارزش‌ها تصور کرد. مطابق فلسفه تربیتی اسلام، یکی از موارد در نظر گرفتن ارزش‌ها در فرایند یاددهی-یادگیری، در نظر گرفتن امور ثابت و متغیر است. در اندیشه اسلامی، حقایق ثابتی وجود دارد که شرایط مکانی و زمانی، آن را کهنه و از اعتبار ساقط نمی‌سازد. «بندگی خداوند» یک ارزش ذاتی است و برنامه درسی با رویکرد الهی آن را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت، ارزشیابی از تجارب یادگیری دانش‌آموزان نیز در این دو گونه برنامه درسی، متفاوت خواهد بود. در حقیقت این ارزشیابی یا بر مبنای ملاک‌های بیرونی و ویژگی‌های استخراج شده و ملاک‌های از پیش تعیین شده انجام می‌پذیرد، یا ارزشیابی برحسب تأثیر یک محصول تازه تدوین شده محقق خواهد شد. لذا، «مَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»؛ کسی که کشت آخرت بخواهد، برای او در کشته‌اش می‌افزاییم و هر که کشت این دنیا را بخواهد، به او از آن می‌دهیم؛ ولی در آخرت او را نصیبی نیست (شوری، ۲۰).

بدیهی است به دنبال تفاوت در اهداف، یکی از تمایزهای موجود در دو برنامه درسی، تفاوت در روش خواهد بود. در برنامه درسی الحادی، مسیر زندگی بر لذت و سودجویی استوار است. از این‌رو، تلاش دانش‌آموزان برای دستیابی به این هدف است و حق و باطل و حلال و حرام برای آنان تفاوت ندارد.

شعار تعلیم و تربیت در چنین تفکری، نفع همه‌جانبه است. این اندیشه، هم در جاهلیت کهن حاکم

بود و هم در جاهلیت جدید و مدرن حاکمیت دارد. در جاهلیت کهن، شعار تربیتی این است که «انصر أخاک ظالماً أو مظلوماً»؛ به برادر و قبیله‌ات کمک کن؛ چه ظالم باشد و چه ستمدیده. دقیقاً در جاهلیت مدرن امروز هم، این شعار حاکم است. وقتی عقیده بر اصالت حس و نفع باشد، شیوه خاصی برای رسیدن به سود ارائه‌کردنی نیست؛ بلکه هر روشی که به آن هدف برسد مطلوب است.

در برنامه درسی الهی که به عقل اصالت می‌دهد، برای وصول به هدف، روش خاص ارائه می‌دهد که حقانیت، حلیت و عدالت از شرایط اساسی آن است. سیره بزرگان دین (ع) در کیفیت تعلیم آن است، که دانش‌پژوهان را با تحقیق آشنا کنند و از هرگونه تقلید برحذر دارند و همان‌طور که از تقلید دور می‌دارند، از اعتماد به گمان نیز نهی کنند؛ زیرا همان‌سان که تکیه به سخن دیگری برخلاف تحقیق است، اعتماد به گمان خویش نیز دور از حزم است. بنابراین، خردمندی به جزم است و آن، جز در پرتو برهان عقلی حاصل نمی‌گردد. لذا، آن رهروان الهی، بیش از هر چیز به تحصیل یقین و تفکر عقلی ترغیب می‌نمودند (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

رویکرد «کوشی» در برنامه درسی، ضمن استقبال از تغییرات اصول جهانی و بهره‌گیری صحیح از این امکان، همواره این نکته را در نظر دارد که باید از شیفتگی و انفعال در برابر تغییرات پرهیز نمود و به مدیریت هوشیارانه آن پرداخت. همان‌گونه که اسلام در میان اعراب جاهلی، ابتدا تلاش کرد تا شیوه اصالت حس و شعار اصالت نفع را به روش اصالت عقل و عدل برگرداند. به این صورت که به‌جای شعاری که بیان می‌کرد، به یاری ستمدیده بشتابید، خواه برادرتان باشد یا بیگانه، و نیز دشمن ظالم باشید، هرچند دوست و برادرتان باشد یا بیگانه؛ این شعار را احیا کرد و فرمود که دشمن ستمکار و یاور مظلوم باشید: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» (نهج‌البلاغه، نامه ۱۷). همچنین: «وما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها واجعل لنا من لدنک ولیاً واجعل لنا من لدنک نصیراً» (نساء، ۷۵)؛ و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ آنان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ظالم‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

یکی از روش‌های برنامه درسی الهی که آموزه‌های دینی نیز بر آن تأکید دارد؛ استفاده از «جدال احسن» است. در «جدال احسن»، نه جهلی بر کسی تحمیل می‌شود و نه از جهل مخاطب سوءاستفاده می‌شود. به بیان جوادی آملی، پیامبر اکرم (ص) در مقام معلم، در احتجاج‌های خود گاهی از «برهانی ابتدایی» استفاده می‌کند، که این نوع استدلال را «حکمت» می‌نامند. گاهی هم به‌صورت جدل ثانوی،

مقدمات مورد پذیرش رقیب، مورد استفاده قرار می‌گیرد، که این نوع، «جدال» نام دارد؛ لیکن به نحو «احسن»؛ چرا که در هیچ‌یک از محورهای مقدماتی و نتیجه آن، نه حقی باطل جلوه داده می‌شود و نه باطلی حق. زیرا محور اصیل رسالت، دعوت به عقل و شکوفایی خرد است. اگر معلم بر عهده شاگرد حق دارد، شاگرد نیز بر عهده معلم حق دارد؛ اگر انبیا و اولیای الهی بر عهده امت حق دارند، امت نیز حق دارند که انبیا در تعلیم، تربیت و آشناکردن آنان به معارف الهی تلاش کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

استعدادهای گوناگونی در وجود یادگیرنده قرار دارد؛ از قبیل عقل، عاطفه، گرایش اجتماعی، زیباگرایی، خداگرایی و نیز حواس مختلف؛ هر یک از این استعدادها و احساسات، امکانات و قابلیت‌های انسان برای پیشرفت و رشد را تشکیل می‌دهند. روش تدریس باید از همه این امکانات موجود استفاده و آنها را پرورش دهد.

«معلم نه صرفاً مجری برنامه درسی و نه صرفاً نقاد آن، بلکه جزء برنامه درسی است. با توجه به متن برنامه، باید نقش معلم را تحلیل کرد. او با نقش گفتاری و کرداری خود و در تعاملی که با مربی برقرار می‌کند، تولید محتوا می‌کند. محتوا را نباید در آنچه که به صورت مکتوب آماده شده تصور کرد؛ بلکه تعامل انسانی در فضای تدریس منبع محتواس است. هر قدر معلم در ایفای نقش خود توانا تر باشد، به همان اندازه در تولید محتوای فرایندی مؤثرتر عمل خواهد نمود. نکته ظریف در نقش معلم آن است، که بخشی از هدف‌های تربیتی صرفاً از طریق او قابل تحقق است. هر قدر سخن او نافذتر و قوی‌تر باشد، می‌تواند در تربیت معنوی مربی ایفای نقش کند» (کیخا و همکاران، ۱۳۹۸).

در بیان امیر مؤمنان علی (ع) شکوفایی دینه‌های عقلی انسان‌ها، سیره مشترک انبیا (ع) است: «لیثروا لهم دفائن العقول» (نهج البلاغه، خطبه ۱). خدای سبحان، سرزمین پر دینه‌ای را به نام عقل به امت‌ها و انسان‌ها مرحمت فرمود که معادن گران‌مایه الهی را در بردارد. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های انبیا (ع)، کندوکاو زمین دل و شکوفایی فرزاندگی و خردمندی صاحب‌دلان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸). روش مورد تأکید اسلام برای شکوفایی دینه‌های عقلی فراگیران، تقویت روحیه پرسشگری آن‌هاست.

نظام آموزشی موفق آن است که آموزش تربیت محور را مدنظر قرار دهد، تا تعامل دانشی حاصل شود. استوار بودن نظام آموزشی بر شالوده ارزش‌های اخلاقی و معنوی می‌تواند مردمی جهانی و اجتماعی تربیت کند. به تعبیر جوادی آملی باید جزم نظر را با عزم عمل هماهنگ کرد؛ چرا که از مجموع علم و عمل و علم و قدرت است که حیات نشأت می‌گیرد.

در برنامه درسی مذموم، فراگیران نیز توسعه مذموم می‌یابند. به این معنا که مبنای یادگیری تفاخر است که به دنبال آن افزایش تکاثری صورت می‌گیرد. در این حالت، معیار تعیین‌کننده هویت اجتماعی

افراد و غایت تمام رفتارهای وی، مصرف علم است. بر این اساس می‌توان تأکید داشت که «اگر تربیت صحیح در زندگی نباشد، همه چیز به یک تهدید تبدیل می‌شود. اختیارات و قدرت سیاسی دارای یک فرصت است؛ ولی منهای تربیت به تهدید تبدیل می‌گردد. توانایی و مشکلات مالی امکان و فرصت است؛ ولی در یک فضای خالی از معنویت، وبال گردن می‌شود و زمینه‌های انحطاط را فراهم می‌آورد» (ملکی، ۱۳۹۸).

در راستای آنچه طرح شد می‌توان بیان داشت، نظام برنامه درسی الهی، نظام جامعی است که به پرورش همه استعدادهای انسان به طور هماهنگ تأکید دارد. در این نظام، افزون بر توجه به رابطه دین‌داری انسان با مبدأ آفرینش و تأکید بر مسائل مذهبی و دینی به پرورش انسان‌ها در جهت شناخت خود، عالم طبیعت و جامعه نیز اهمیت داده می‌شود. برنامه درسی الهی رویکردی است، که مبانی آن برگرفته از آموزه‌های الهی است. مبانی هم در مقام نظر و هم در مقام عمل، در بررسی نیازها و تعیین اهداف، محتوای آموزشی، وسایل و تجهیزات آموزشی، فضای آموزشی، روش‌ها، تجارب یادگیری، فعالیت‌های فوق برنامه، روش‌ها و فنون تدریس و ارزشیابی نصب العین فعالیت‌های تربیتی قرار می‌گیرد. چرا که برنامه درسی، مفهومی مرتبط با فرهنگ جامعه است و با ضرورت‌ها و اقتضائات دینی و مذهبی، سیاسی، تاریخی، جغرافیایی و آموزشی رابطه قوی دارد.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. در بخش توصیف، به تشریح و تبیین چرایی وضعیت مسئله پرداخته و تبیین و توجیه دلایل با جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها انجام شد. گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه اندیشه‌های تربیتی آیت‌الله جوادی آملی که در منابع مکتوب و دیجیتال موجود است، انجام شد. در بخش تحلیلی، عناصر و مطالب مرتبط طبقه‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. عناصر مورد تحلیل، جمله‌ها، بندها و متن‌های کامل در آثار مکتوب یا غیر مکتوب است.

۳. یافته‌ها

طبق مطالعات انجام شده در این پژوهش، در پاسخ به پرسش چستی برنامه درسی ممدوح و مذموم در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی می‌توان به دو گونه تفکر و منطق در برنامه درسی اشاره کرد. شالوده برنامه درسی الهی، ضمن اعتماد بر حس و تجربه حسی، بر مبنای عقل‌گرایی است. لذا، برنامه درسی ممدوح (الهی)، دانش‌آموزان را در تمام حیطه‌های یادگیری به چالش می‌طلبد و به آنها امکان می‌دهد تا دانش خود را به طرق مختلف به نمایش بگذارند. در حالی‌که شالوده برنامه درسی مذموم

(غیر الهی)، ضمن خرافه پنداشتن علوم تجریدی، براساس حس‌گرایی است. جدول شماره (۱) ویژگی‌های عناصر دو نوع برنامه درسی را بیان می‌کند.

جدول ۱- ویژگی‌های عناصر برنامه درسی ممدوح و مذموم

عناصر برنامه درسی	برنامه درسی الهی (ممدوح)	برنامه درسی غیر الهی (مذموم)
مبنا	عقل‌گرایی مبتنی بر حق و عدل	حس‌گرایی مبتنی بر سود و لذت
هدف	خدامحوری، عدالت اجتماعی، توانمندی علمی	جلب‌توجه دیگران، اصالت با ماده و حس
محتوا	کمک به هم‌نوعان، تقویت تعاملات انسانی	کمک به خود، عدم توجه به زندگی اخروی
معلم	تولیدکننده محتوا، مؤثر در گفتار و رفتار	مصرف‌کننده علم، عدم خلاقیت
دانش‌آموز	مؤمن، مهربان، دارای سعه‌صدر، عادل	لذت‌جو و سودگرا از هر طریقی
ارزشیابی	بر اساس تولید علم و رشد علمی در جامعه جهانی (افزایش کوثری)	بر اساس ملاک‌های بیرونی، مصرف‌کننده بودن در علم (افزایش تکاثری)
روش تدریس	روش‌های عقل‌مدار و عدل‌محور (جدال احسن، استدلال)	روش‌های حس‌گرا و منفعت‌محور

در تبیین جدول شماره (۱) می‌توان بیان داشت که توجه به معنویت در برنامه درسی کوثری، ممیزه اصلی این رویکرد با برنامه درسی غیر الهی (تکاثری) است. در برنامه درسی مذموم، سقف آموزش، اقتضائات و ضروریات حیات دنیوی است و حساسیتی نسبت به حیات اخروی ندارد. به همین دلیل فرصت‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌هایی که در محتوای برنامه آموزش داده می‌شود، فرد را برای دنیای بهتر و رفاه بیشتر آماده می‌کند. هدف قرآن کریم در پیوند عقل نظری و عقل عملی برای آن است که اگر کسی در راه دل قوی شد، بتواند از قوت راه دل، ضعف راه عقل را جبران کند و اگر کسی در راه عقل و اندیشه، قوی‌تر شد، بتواند در پرتو قدرت عقل، ضعف راه دل را ترمیم کند.

این فرمایش امام صادق (ع) که فرموده‌اند: «گفتار و سخنان رسول خدا (ص) و ما ائمه (ع) را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی تسریع کنید، پیش از آنکه مخالفین گمراه بر شما در این امر پیشی گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضمیر پاک کودکان و نوجوانان شما جای دهند و گمراهشان سازند» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۷) تأکیدی است بر این نکته که «شاگرد یک ارگانسیم واحد است که مغز و قلب وی با هم در کلاس درس قرار می‌گیرند و هم‌زمان با هم تحت تأثیر واقع می‌شوند.

۴. نتیجه‌گیری

برنامه درسی یک مقوله آمیخته به فرهنگ است و با ضرورت‌ها و اقتضائات فکری، اعتقادی و ارزشی، رابطه‌ای قوی دارد. در رویکرد برنامه درسی الهی دو نکته به‌عنوان اصل، قابل طرح است: یکی

تناسب این فرایند با هدف‌ها و دیگری تناسب آن با ارزش‌ها، که هم در مرحله طراحی و هم در مرحله تدوین برنامه درسی باید مدنظر باشد. بر اساس انسان‌شناسی اسلامی، برنامه درسی مطلوب برنامه‌ای است، که بر اساس جهان‌شناسی، خداشناسی و انسان‌شناسی توحیدی بنا شده باشد.

در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی، پرهیز از تفکر قارونی در عرصه کسب دانش و معرفت، مورد تأکید آیت‌الله جوادی آملی است. بسیاری از افراد، فکر قارونی دارند و از منطق قارون پیروی می‌کنند؛ زیرا معلّم واقعی را نمی‌بینند و علم را یکسره مرهون تلاش، کوشش و استعداد فردی خویش می‌دانند. با وجود نگرش قارونی در نظام‌های آموزشی نمی‌توان به موفقیت در عرصه تعلیم و تربیت امیدوار بود. بنابراین، در سایه تعلیم و تربیت صحیح است که شیوه درست اندیشیدن و چگونگی زیستن و چگونگی امتناع ورزیدن آموزش داده می‌شود و مربی با لحاظ داشتن آموزش مشاهده‌ای می‌کوشد، «من درونی» فراگیر را رشد دهد و زمینه تحول مطلوب را در شخصیت و حالات درونی وی ایجاد نماید.

نظام برنامه درسی الهی، نظام جامعی است که به پرورش همه استعداد‌های انسان به طور هماهنگ تأکید دارد. در این نظام، افزون بر توجه به رابطه دینداری انسان با مبدأ آفرینش و تأکید بر مسائل مذهبی و دینی، به پرورش انسان‌ها در جهت شناخت خود، عالم طبیعت و جامعه نیز اهمیت داده می‌شود. در حقیقت، برنامه درسی الهی رویکردی است که مبانی آن برگرفته از آموزه‌های الهی است. لذا، پیشنهاد می‌شود مبانی مذکور هم در مقام نظر و هم در مقام عمل، در بررسی نیازها و تعیین اهداف، منابع، محتوای آموزشی، وسایل و تجهیزات آموزشی، فضای آموزشی، روش‌ها، تجارب یادگیری، فعالیت‌های فوق برنامه، روش‌ها و فنون تدریس و ارزشیابی نصب العین فعالیت‌های تربیتی قرار گیرد.

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *ادب فنای مقربان*. قم: مرکز نشر اسراء، ج ۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء، ج ۱۴، ۱۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). *راه جهانی شدن حقوق بشر*. قم: مؤسسه بین‌المللی علوم وحیانی اسراء.
- حسینی، سید رضا (۱۳۹۱). توسعه کوثری در چهارچوب اخلاق الهی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی. *حکمت اسراء*، دوره ۵، شماره ۱، ص ۶۴-۶۱.
- شهریاری، روح‌الله؛ نجفی، حسن (۱۳۹۹). هویت حقیقی انسان در اندیشه انسان‌شناختی جوادی آملی. *انسان‌پژوهی دینی*، سال ۱۷، شماره ۴۴، ص ۹۲-۶۹.
- صالحی عمران، ابراهیم؛ ایزدی، صمد؛ رضایی، فرزانه (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر مبنای مؤلفه‌های آموزش جهانی. *مطالعات برنامه درسی*، شماره ۱۳، ص ۱۷۶-۱۴۱.
- علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۴). *مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی: براساس فلسفه صدرای*. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۲). *برنامه درسی به‌سوی هویت‌های جدید*. تهران: آبیژ.
- قاسم‌پور دهقانی، علی؛ نصر اصفهانی، احمدرضا (۱۳۹۰). رویکرد معنوی و برنامه درسی. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال ۱۹، شماره ۱۳، ص ۹۲-۷۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۸). *اصول کافی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: اسوه، چاپ چهارم، ج ۴.
- کیخا، علیرضا؛ ملکی، حسن؛ شریعتی، سید صدرالدین؛ صادقی، علیرضا؛ برهن، مریم (۱۳۹۸). تدوین و اعتباریابی راهبردهای یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فطرت‌گرای توحیدی. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، دوره ۲۱، شماره ۱، ص ۴۳-۳۳.
- محسن‌پور، بهرام (۱۳۹۳). *مبانی برنامه‌ریزی آموزشی*. تهران: سمت.
- محمدی، یحیی؛ کیخا، علیرضا؛ علیپور مقدم، خدیجه (۱۳۹۵). طراحی برنامه درسی متعادل با رویکرد برنامه‌ریزی درسی فطری و معنوی. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۳۲، ص ۱۳۵-۱۰۹.
- مرادی، مسعود؛ سید کلان، میرمحمد؛ عیاری، لیلا (۱۳۹۳). طراحی الگوی برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز، راهبردها و راهکارهای اجرایی آن. *پژوهش‌های مهدوی*، سال ۳، شماره ۹، ص ۱۱-۱۰.
- معروفی، یحیی؛ کریمی، زهرا (۱۳۹۲). *برنامه درسی معنوی، چیستی و چرایی*. در: خلاصه مقالات چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران؛ مبانی فلسفی تحول در نظام آموزش و پرورش ایران. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ملکی، حسن (۱۳۷۸). *دین و برنامه درسی*. تهران: انتشارات اولیاء و مریبان.
- ملکی، حسن (۱۳۹۸). *هویت دینی برنامه درسی جستاری در نظریه اسلامی برنامه درسی*. تهران: آبیژ.
- ملکی، مهدی؛ فرمبینی فراهانی، محسن؛ اسماعیلی، کوروش (۱۳۹۲). اولویت‌بندی و مقایسه مؤلفه‌های شش‌گانه ایدئولوژی‌های برنامه درسی از منظر اعضای هیئت علمی دانشکده‌های علوم تربیتی شهر تهران. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، سال ۱۰، شماره ۱۱، ص ۱۴۴-۱۲۹.

- موسوی، ستاره؛ نیلی، محمدرضا (۱۳۹۳). تحلیل نمود ارزش‌های انسانی و اخلاقی در حوزه برنامه‌ریزی درسی. *مهندسی فرهنگی*، سال ۸، شماره ۷۹، ص ۱۴۲-۱۲۳.
- موسوی، فرانک (۱۳۸۸). *برنامه درسی معنوی در هزاره سوم*. کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی.
- میرزاخانی، مهدی (۱۳۹۱). *ارزش جایگاه معنویت در قرآن و دلالت‌های برنامه درسی بر مبنای آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- نجفی، حسن؛ ملکی، حسن؛ سبحانی‌نژاد، مهدی؛ مصباح، علی (۱۴۰۰الف). *هویت دینی و پیش‌بایست‌های طراحی برنامه درسی*. *مطالعات ملی*، شماره ۸۶، ص ۲۶-۳.
- نجفی، حسن؛ ملکی، حسن؛ سبحانی‌نژاد، مهدی؛ مصباح، علی (۱۴۰۰ب). *طراحی الگوی برنامه درسی هویت دینی در دوره اول متوسطه*. *مطالعات برنامه درسی ایران*، سال ۱۱، شماره ۶۱، ص ۵۹-۹۲.
- نجفی، محمد؛ کشانی، فاطمه (۱۳۸۸). *برنامه درسی معنوی برای دستیابی به تربیت دینی*. همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر: مقالات برگزیده. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

